

سرمقاله

اولویت های حکومت در سال ۱۳۹۶

مهدی مدیر

سال ۱۳۹۵ خورشیدی برای افغانستان سال دشوار و پر فراز و نشیب بود. چالش های امنیتی، سیاسی و اقتصادی دشواری های زیادی را در برابر مردم و حکومت افغانستان ایجاد کرد. گروه های تروریستی علاوه بر انجام حملات خونین انتحاری در بخش های مختلف کشور، بصورت هدفمند تلاش کردند تا تفرقه مذهبی و قومی را در افغانستان بوجود بیاورند؛ اما مردم افغانستان با آگاهی از نیت شوم گروه های تروریستی، متحد ماندند و تلاش های برای افزایش همبستگی مردم افغانستان افزایش یافت.

اما سال جدید خورشیدی برای حکومت و مردم افغانستان یک سال سرنوشت ساز است. حکومت وحدت ملی وعده داده است بسیاری از برنامه های مهم و حیاتی خود را در این سال عملی خواهد کرد. در سال گذشته حکومت وحدت ملی بخاطر عمل نکردن به وعده هایش با انتقادات شدید از سوی شهروندان و گروه های سیاسی مواجه شد. عمل کردن به این وعده ها می تواند تغییرات مهمی را در تداوم روند سیاسی افغانستان بوجود بیاورد و همچنان عمل نکردن به آن می تواند چالش های زیادی را در برابر حکومت افغانستان، خلق کند. مهمترین برنامه های که حکومت وحدت ملی وعده عملی سازی آن اولویت های کار می خود دانسته است، توزیع تذکره های الکترونیکی را در سال جدید خورشیدی داده است و اجرائی شدن آنها را از اولویت های کار می خود دانسته است، توزیع تذکره های الکترونیکی و برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی است. رهبران حکومت اعلان کرده است که آنها متعهد به برگزاری انتخابات پارلمانی هستند و تلاش می کنند که با استفاده از تکنالوژی های پیشرفته در سیستم انتخاباتی کشور، شفافیت را در انتخابات بوجود بیاورند تا نتایج انتخابات سال ۲۰۱۴ تکرار نشود.

برگزاری انتخابات پارلمانی و شورای ولسوالی ها، تداوم نظام سیاسی دموکراتیک کشور را در پی خواهد داشت و به استحکام ثبات سیاسی در کشور کمک خواهد کرد. همچنان برگزاری انتخابات پارلمانی، باعث می شود که تمام ارکان های نظام سیاسی کشور قانونی شود و زمینه برای تعدیل بعضی از مواد قانون اساسی که در توافق نامه ی تشکیل حکومت وحدت ملی گنجانده شده است، وعده های اصلی رهبران حکومت وحدت ملی بود که تاکنون عملی نگردیده است. حکومت در این اواخر اعلان کرده است که آمادگی های لازم برای توزیع تذکره های الکترونیکی گرفته شده است و توزیع این تذکره ها از اولویت های کار می خود دانسته است.

توزیع تذکره های الکترونیکی برای شهروندان یکی از اولویت های اصلی رهبران حکومت وحدت ملی بود که تاکنون عملی نگردیده است. بدون توزیع تذکره الکترونیکی، مدیریت پرسه ی انتخاباتی کشور و تقلب گسترده دشوار خواهد بود و راه های تقلب در انتخابات، همچنان باز خواهد ماند. همچنان توزیع تذکره الکترونیکی می تواند حکومت را در راستای حکومت داری الکترونیکی کمک کند و بدین ترتیب زمینه ی فساد اداری محدود گردد و در مصرف منابع مالی دولت شفافیت بوجود بیاورد.

همچنان، ثبات امنیتی یکی از چالش های حکومت افغانستان در سال جدید خواهد بود. گروه های تروریستی تهدید جدی در برابر ثبات امنیتی کشور است. مبارزه با تروریسم در افغانستان نیاز به همکاری جامعه جهانی و کشورهای منطقه دارد، در صورتیکه حکومت افغانستان بتواند همکاری بین المللی اش را متقاعد سازد که مبارزه مشترک با تروریسم را در افغانستان بصورت جدی دنبال کنند، امنیت در کشور رو بهبود خواهد گذاشت، اما در صورتی که همکاری های مشترک در راستای مبارزه با تروریسم شکل نگیرد، سرنوشت جنگ در کشور همچنان نامعلوم خواهد بود و ثبات امنیتی و سیاسی بوجود نخواهد آمد.

علاوه بر این، اشتغال زایی و کاهش فقر اقتصادی از دیگر چالش های حکومت در سال ۱۳۹۶ خواهد بود. اکنون بسیاری از جوانان تحصیل کرده و افسران مختلف مردم از بیکاری رنج می برند. بیکاری باعث شده است که وضعیت اقتصادی مردم رو به وخامت بگذارد و بسیاری از خانواده برای تأمین مخارج شان با مشکل مواجه شوند. مردم افغانستان انتظار دارند که حکومت وحدت ملی در سال جدید خورشیدی به وعده های که به آنها داده اند عمل کنند و برنامه های را که برای سرنوشت و آینده ی کشور از اهمیت بالای برخوردار هستند، اجرائی سازد. بسیاری از برنامه های سیاسی و اقتصادی که حکومت وحدت ملی روی دست دارد، در صورت اجرائی شدن، می تواند تغییرات اساسی در زندگی و سرنوشت مردم افغانستان بوجود بیاورد.

چشمن نوروز یکی از جشن های باستانی مردم افغانستان است که قدمت تاریخی چند هزارساله دارد. این جشن که آغازگر بهار می باشد، از نسلی به نسلی به میراث رسیده و در هر دوره تاریخی، به تناسب شرایط و زمان به شکل های مختلف برگزار شده است. در بسیاری از ولایت های افغانستان به ویژه در کابل، مزارشریف، هرات، بدخشان، بامیان، قندهار به صورت خاصی از این روز تجلیل می شود.

خانواده ها روز نوروز پیش از تحویل سال، سفره ها را با هفت سین یا هفت میوه رنگین می سازند، سبزی، سمنک و شیرینی سر سفره می چینند. برخی ها شمع نیز روشن می کنند. همه اعضای خانواده خصوصا کودکان لباس های نو و رنگارنگ به تن کرده بر گرد سفره جمع می شوند و منتظر تحویل سال می باشند. بزرگ خانه بر صدر مجلس می نشیند، دعای شکرگزاری را قرائت می کند، از خداوند می خواهد تا سال نو برای شان سال صلح و امنیت، آسایش، آرامش، باخیر و با برکت باشد.

در روز نوروز، در هر شهر و دیار، در جایگاه های مخصوص که معمولا زیارتگاهها است، مردم به نام میله نوروز، روز دهقان، مراسم خوشی و شادمانی برپا می کنند. در این میله ها نمایشهای مرغ جنگی، سگ جنگی و نمایشهای گاوهای قلبه، سامان آلات زراعتی، اسبهای بزکشی و اسبهای سسواری، نیزه بازی، شتردوانی و سایر بازیهای سرگرم کننده صورت می گیرد.

نوروز در کابل در روز نوروز به زیارت سخنی، شهدای صالحین، عاشقان و عارفان، خواجه صفا، باغ پادشاه و زیارت ملا بزرگ جمع می شوند؛ برخی ها به فرغه، تپه نرجان، چمن ضروری، باغ زانسه، دامنه خواجه صفا، ورزشگاه غازی، استالف، کارزمیر، گل غندی، یغمان، چاریکار و دیگر تفریحگاه ها میروند، بهار را جشن میگیرند و به آن خوش آمدیدی میگویند.

اکثر باشندگان کنونی کابل کسانی اند که از دیگر ولایتها یا کنسورهای همسایه، بعد از سالها مهاجرت، به این شهر مسکن گزین شده اند. به این دلیل، این مردم حامل رسم و رواج های فرهنگی متفاوت نوروزی

نگاه و ایده همگرایانه میان ملت ها و واحدهای سیاسی تاریخ و قدمت بلندی دارد، ملت ها همیشه به دنبال جستجوی و تقویت عوامل پیونده دهنده و سامان بخش روابط بین خود هستند و بوده و است. البته نباید از یاد برد که اندیشه بهره گیری از اشتراکات فرهنگی و اجتماعی، به منظور تقویت و سامان بخشیدن مناسبات فی بیسن از موضوعات کهن و با پیشینه بلندی تاریخ هستند. جشن نوروز یکی از آن زمینه ها و بسترهای معنوی و تاریخی است که می تواند با درون مایه های شگرف فرهنگی و تاریخی خود روابط ملت ها و دولت های حوزه فرهنگ و تمدن نوروز را انسانی تر و منطقی تر بسازد.

آیین نوروز می تواند عاملی جدی برای همگرایی فرهنگی میان ملت های منطقه باشد، بدلیل این که نوروز و آیین ها و فرهنگ نوروز دارای ویژگی هایی است که اگر به شکل درست از تمام ظرفیت های آن استفاده مطلوب صورت گیرد به ایجاد

پیوند و افزایش همکاری در حوزه های مختلف منجر می شود. جشن نوروز با ریشه های بلند تاریخی و معنوی خود می تواند به همگرایی فرهنگی، اجتماعی و بهبود ارتباطات میان ملت های منطقه ختم شود. ولی قبل بررسی موارد یاد شد و نقش بی بدیل آن در رشد و شکوفایی روابط بین مردمان منطقه ای حوزه فرهنگ نوروز، بدون مناسبت نخواهد بود، به اجمال تأمل به مفهوم و تئوری های موجود در روابط بین الملل و مطالعات منطقه ای داشته باشیم. تا از این رهگذر بتوانیم به فهم دقیق تر از موضوع همگرایی به نقش نوروز در ایجاد همبستگی میان ملت های حوزه نوروزی نایل آیم.

در زمینه همگرایی بین ملت ها تئوری های متنوعی وجود دارد که از جمله می توان به نظریه ی کارکردگرایی، نظریه ارتباطات و نظریه نو کارکردگرایی، اشاره کرد؛ بر اساس تئوری نو کارکرد گرایی، مباحث فرهنگی در قلمروی سیاست سفلی (Low politics) قرار می گیرد که از حوزه سیاسی علیا (High politics) متفاوت و متمایز است. ولی نگاه جدید سازمان ها و نهادهای بین المللی به موضوع فرهنگ و رسومات مشترک بیانگر این نکته است که فرهنگ نه یک عامل یک سو به، بلکه عاملی دو چند سویه بوده و مؤلفه ای از مؤلفه های قدرت و امنیت به شمار می رود. بدین ترتیب، در همگرایی کشورهای متمایل به همگرایی یک عنصر جدی به شمار می رود. از منظر این تئوری، آنچه به مسائل اجتماعی و فرهنگی مربوط می شود در زمره ای «سیاست نازل و ملایم» جا می گیرد و امکان همکاری در آن راحت تر و کم هزینه تر است. ما در این کار تلاش خواهیم کرد تا نقش آیین نوروز را به عنوان عنصر کلیدی در رشد و شکوفایی روابط ملت های حوزه فرهنگ نوروز

جشن باستانی نوروز

نوروز رجا



تکه های قیمتی را به خاطر برآورده شدن مرادشان به پایه بیری می پیچند و هر کس تلاش می ورزد که اگر بتواند توتی را از پوش جنده بازی تبریک برکند. نوروز در بدخشان: باشندگان بدخشان برای استقبال نوروز از این جشن باستانی و برافراشتن علم مبارک آمادگی ها گرفته می شود، مخلصین حضرت علی شب نوروز را در زیارتگاه سخی با منقبت خوانی به پایان میرسانند، روز نوروز که نخستین روز سال نو خورشیدی می باشد، مقامات دولتی، شخصیت های ملی، شهردار کابل، تعدادی از روحانیون و جمع کثیری از مردم کابل گرد هم می آیند، علم سفخی، در میان شور و هلهله و هیجانات مردم بلند می گردد. در حین بلند شدن علم، از هر سو صداهای هیجان آمیز «یا علی یا علی» و صدای کفزدنهای هیجان انگیز به گوش میرسد.

مردم کابل به این باور است هر گاه بیری سخی به آسانی بلند شود، آن سال یک سال نیکو و پربرکت بوده و اگر بیری به مشکل بلند گردد، شگون آن سال خوب نیست. زنان دستمالهای ابریشمین و سایر

تکه های قیمتی را به خاطر برآورده شدن مرادشان به پایه بیری می پیچند و هر کس تلاش می ورزد که اگر بتواند توتی را از پوش جنده بازی تبریک برکند. نوروز در بدخشان: باشندگان بدخشان برای استقبال نوروز از این جشن باستانی و برافراشتن علم مبارک آمادگی ها گرفته می شود، مخلصین حضرت علی شب نوروز را در زیارتگاه سخی با منقبت خوانی به پایان میرسانند، روز نوروز که نخستین روز سال نو خورشیدی می باشد، مقامات دولتی، شخصیت های ملی، شهردار کابل، تعدادی از روحانیون و جمع کثیری از مردم کابل گرد هم می آیند، علم سفخی، در میان شور و هلهله و هیجانات مردم بلند می گردد. در حین بلند شدن علم، از هر سو صداهای هیجان آمیز «یا علی یا علی» و صدای کفزدنهای هیجان انگیز به گوش میرسد.

مردم کابل به این باور است هر گاه بیری سخی به آسانی بلند شود، آن سال یک سال نیکو و پربرکت بوده و اگر بیری به مشکل بلند گردد، شگون آن سال خوب نیست. زنان دستمالهای ابریشمین و سایر

تکه های قیمتی را به خاطر برآورده شدن مرادشان به پایه بیری می پیچند و هر کس تلاش می ورزد که اگر بتواند توتی را از پوش جنده بازی تبریک برکند. نوروز در بدخشان: باشندگان بدخشان برای استقبال نوروز از این جشن باستانی و برافراشتن علم مبارک آمادگی ها گرفته می شود، مخلصین حضرت علی شب نوروز را در زیارتگاه سخی با منقبت خوانی به پایان میرسانند، روز نوروز که نخستین روز سال نو خورشیدی می باشد، مقامات دولتی، شخصیت های ملی، شهردار کابل، تعدادی از روحانیون و جمع کثیری از مردم کابل گرد هم می آیند، علم سفخی، در میان شور و هلهله و هیجانات مردم بلند می گردد. در حین بلند شدن علم، از هر سو صداهای هیجان آمیز «یا علی یا علی» و صدای کفزدنهای هیجان انگیز به گوش میرسد.

جشن نوروز و همگرایی فرهنگی

اسدالله زائری



بررسی نموده ولی قبل از آن به جا خواهد بود که اشاره گذارا به مبنا و معنای همگرایی نیز داشته باشیم. متفکران و اندیشمندان حوزه روابط بین الملل و مطالعات منطقه ای هر کدام از زاویه دید خود تعریفی از این مفهوم ارائه نموده اند، به نحوی که تا کنون تعریف جامع و مانعی از اصطلاحی همگرایی وجود ندارد و تعاریف موجود هر یک به جنبه های از جوانب آن توجه نموده است. نگرش های موجود بر همگرایی نیز با پروژه های و یا پرسوهای و یا ترکیبی از آن دو است. در نگرش پروژه های همگرایی به عنوان یک وضعیت نهایی مورد بررسی قرار می گیرد و در نگرش فرآیندی (پرسوهای) مسیر تحول همگرایی و نقطه عریضت آن مورد توجه است. برخی از متفکرین عرصه های روابط بین الملل نیز با نگرش تلقیقی به موضوع می نگرند. در هر حال آن چه مسلم است عدم وفاق برسر تعریف این مفهوم است. اما به رغم تعاریف متنوع، می توان در تمامی این تعاریف فصل مشترکی یافت مبنی بر آن که همگرایی، شکل بخشی به گروه بندیهای بزرگتری از کشورهاست که در درون آن گروه بندی، کشورها به سمت تصمیم گیریهای مشترک حرکت می کنند. به عبارت دیگر همگرایی روند تکوین تدریجی نوعی نظام تصمیم گیری مشترک در یک یا چند موضوع پسرذازان همگرایی در این راستاست که واحدهای ملی (کشورها) در عرصه روابط بین الملل در یک تجربه تاریخی مشترک به این جمع بندی می رسند که منافع عملی تصمیم گیری مشترک در یک یا چند موضوع بیشتر از تصمیم گیری انفرادی است و به این ترتیب از یک سطح پائین در همکاری مشترک به سطوح بالاتر حرکت می کنند. به تعبیر بر مبنی رویکرد کارکرد گرایان از حوزه فرهنگ و مشترکات فرهنگی شروع می شود و در نهایت به سایر حوزه های اقتصادی

برای قرار ارتباطات بین ملت های باشد که دارای نگرش ها و روحیات متنوع هستند ولی همه به نحوی نوروز را گرامی می دارد، فراموش نسازیم که در حوزه تمدنی نوروز اقوام مختلف زندگی می نمایند؛ اما نوروز و جشن نوروز را پاس میدانند. عید نوروز از ظرفیت و زمینه های خوبی معنوی و ارزشی برای رشد و تقویت روحیه مهدلی و انسجام میان مردمان این خطه ای از جغرافیایی زمین بر خور دارد است. جلوه ها و نمودهای خاص معنوی ارزشی این جشن را می توان به خصوص در سه کشور فارسی زبان افغانستان، تاجکستان و ایران در قالب برنامه های تجلیل از نوروز مشاهده کرد. در نتیجه می توان این گونه این نوشته را جمع بندی کرد که نوروز به عنوان میراث معنوی و تاریخی و با عبور از تنگناهای زمانه و غلبه بر موانع چون آشپار مرتفع در دل سخنی های روزگار، می تواند علاوه بر ایجاد پیوند فرهنگی موجب افزایش همکاری اجتماعی و اقتصادی میان کشورها شود. فرهنگ و رسومات مشترک یک عامل مهم و نیرومندی است که زمینه ساز روابط کشورهای یک منطقه بایدنگیری می کند. در کشورهای که نوروز گرامی داشته می شود. تشابهات فرهنگی-اجتماعی ریشه در یک عامل مشترک و مهم دارد. این عامل در کنار سایر تشابهات و فراوانی ها، فرهنگ و تمدنی مشترک نوروز است. لیکن در اینجا نقش جشن نوروز و نتایج حاصله از آن نباید نادیده انگاشته شود. همین رویکرد مشترک مردم به یک محور مشترک در نوروز خود زمینه ساز تعاملات بعدی در ارتباط بین ملت های حوزه تمدن نوروز نقش بی بدلی می تواند ایفا نماید. بر اساس تئوری ارتباطات، نوروز و فرهنگ نوروز عامل مثبتی است در دروند شکل دهی روابط میان ملت های که این عید را گرامی می دارد. در جغرافیایی مطالعات منطقه ای و بین المللی؛ یکی از تئوریهای که نوع و مقوله ارتباطات میان ملت ها را توضیح می دهد؛ تئوری ارتباطات است. پیشگام این نظریه کارل دویچ می باشد؛ این تئوری بر این پیش فرض استوار است که یکی از دستاورد های تکنولوژی عصر، ارتباطات است و افزایش ارتباطات بین جوامع زمینه برای همکاری فراهم می کند، زیرا اگر میان ملت ها تماسی وجود نداشته باشد همکاری و ارتباطات سازنده و ماندگار شکل نخواهد گرفت؛ یعنی میزان همگرایی تابعی است از کیفیت مبادلات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی میان واحدهای مجزا. به باور کارل دویچ، پانی ایسن تئوری ارتباطات سیمان و بنون سازمان هاست دوره های جشن جهانی نوروز نشان می کند که گروهی با هم فکر کنند، با هم ببینند و با هم عمل کنند. مطابق رویکرد تئوری ارتباط آیین نوروز می تواند اساس مناسبی

برای قرار ارتباطات بین ملت های باشد که دارای نگرش ها و روحیات متنوع هستند ولی همه به نحوی نوروز را گرامی می دارد، فراموش نسازیم که در حوزه تمدنی نوروز اقوام مختلف زندگی می نمایند؛ اما نوروز و جشن نوروز را پاس میدانند. عید نوروز از ظرفیت و زمینه های خوبی معنوی و ارزشی برای رشد و تقویت روحیه مهدلی و انسجام میان مردمان این خطه ای از جغرافیایی زمین بر خور دارد است. جلوه ها و نمودهای خاص معنوی ارزشی این جشن را می توان به خصوص در سه کشور فارسی زبان افغانستان، تاجکستان و ایران در قالب برنامه های تجلیل از نوروز مشاهده کرد. در نتیجه می توان این گونه این نوشته را جمع بندی کرد که نوروز به عنوان میراث معنوی و تاریخی و با عبور از تنگناهای زمانه و غلبه بر موانع چون آشپار مرتفع در دل سخنی های روزگار، می تواند علاوه بر ایجاد پیوند فرهنگی موجب افزایش همکاری اجتماعی و اقتصادی میان کشورها شود. فرهنگ و رسومات مشترک یک عامل مهم و نیرومندی است که زمینه ساز روابط کشورهای یک منطقه بایدنگیری می کند. در کشورهای که نوروز گرامی داشته می شود. تشابهات فرهنگی-اجتماعی ریشه در یک عامل مشترک و مهم دارد. این عامل در کنار سایر تشابهات و فراوانی ها، فرهنگ و تمدنی مشترک نوروز است. لیکن در اینجا نقش جشن نوروز و نتایج حاصله از آن نباید نادیده انگاشته شود. همین رویکرد مشترک مردم به یک محور مشترک در نوروز خود زمینه ساز تعاملات بعدی در ارتباط بین ملت های حوزه تمدن نوروز نقش بی بدلی می تواند ایفا نماید. بر اساس تئوری ارتباطات، نوروز و فرهنگ نوروز عامل مثبتی است در دروند شکل دهی روابط میان ملت های که این عید را گرامی می دارد. در جغرافیایی مطالعات منطقه ای و بین المللی؛ یکی از تئوریهای که نوع و مقوله ارتباطات میان ملت ها را توضیح می دهد؛ تئوری ارتباطات است. پیشگام این نظریه کارل دویچ می باشد؛ این تئوری بر این پیش فرض استوار است که یکی از دستاورد های تکنولوژی عصر، ارتباطات است و افزایش ارتباطات بین جوامع زمینه برای همکاری فراهم می کند، زیرا اگر میان ملت ها تماسی وجود نداشته باشد همکاری و ارتباطات سازنده و ماندگار شکل نخواهد گرفت؛ یعنی میزان همگرایی تابعی است از کیفیت مبادلات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی میان واحدهای مجزا. به باور کارل دویچ، پانی ایسن تئوری ارتباطات سیمان و بنون سازمان هاست دوره های جشن جهانی نوروز نشان می کند که گروهی با هم فکر کنند، با هم ببینند و با هم عمل کنند. مطابق رویکرد تئوری ارتباط آیین نوروز می تواند اساس مناسبی

برای قرار ارتباطات بین ملت های باشد که دارای نگرش ها و روحیات متنوع هستند ولی همه به نحوی نوروز را گرامی می دارد، فراموش نسازیم که در حوزه تمدنی نوروز اقوام مختلف زندگی می نمایند؛ اما نوروز و جشن نوروز را پاس میدانند. عید نوروز از ظرفیت و زمینه های خوبی معنوی و ارزشی برای رشد و تقویت روحیه مهدلی و انسجام میان مردمان این خطه ای از جغرافیایی زمین بر خور دارد است. جلوه ها و نمودهای خاص معنوی ارزشی این جشن را می توان به خصوص در سه کشور فارسی زبان افغانستان، تاجکستان و ایران در قالب برنامه های تجلیل از نوروز مشاهده کرد. در نتیجه می توان این گونه این نوشته را جمع بندی کرد که نوروز به عنوان میراث معنوی و تاریخی و با عبور از تنگناهای زمانه و غلبه بر موانع چون آشپار مرتفع در دل سخنی های روزگار، می تواند علاوه بر ایجاد پیوند فرهنگی موجب افزایش همکاری اجتماعی و اقتصادی میان کشورها شود. فرهنگ و رسومات مشترک یک عامل مهم و نیرومندی است که زمینه ساز روابط کشورهای یک منطقه بایدنگیری می کند. در کشورهای که نوروز گرامی داشته می شود. تشابهات فرهنگی-اجتماعی ریشه در یک عامل مشترک و مهم دارد. این عامل در کنار سایر تشابهات و فراوانی ها، فرهنگ و تمدنی مشترک نوروز است. لیکن در اینجا نقش جشن نوروز و نتایج حاصله از آن نباید نادیده انگاشته شود. همین رویکرد مشترک مردم به یک محور مشترک در نوروز خود زمینه ساز تعاملات بعدی در ارتباط بین ملت های حوزه تمدن نوروز نقش بی بدلی می تواند ایفا نماید. بر اساس تئوری ارتباطات، نوروز و فرهنگ نوروز عامل مثبتی است در دروند شکل دهی روابط میان ملت های که این عید را گرامی می دارد. در جغرافیایی مطالعات منطقه ای و بین المللی؛ یکی از تئوریهای که نوع و مقوله ارتباطات میان ملت ها را توضیح می دهد؛ تئوری ارتباطات است. پیشگام این نظریه کارل دویچ می باشد؛ این تئوری بر این پیش فرض استوار است که یکی از دستاورد های تکنولوژی عصر، ارتباطات است و افزایش ارتباطات بین جوامع زمینه برای همکاری فراهم می کند، زیرا اگر میان ملت ها تماسی وجود نداشته باشد همکاری و ارتباطات سازنده و ماندگار شکل نخواهد گرفت؛ یعنی میزان همگرایی تابعی است از کیفیت مبادلات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی میان واحدهای مجزا. به باور کارل دویچ، پانی ایسن تئوری ارتباطات سیمان و بنون سازمان هاست دوره های جشن جهانی نوروز نشان می کند که گروهی با هم فکر کنند، با هم ببینند و با هم عمل کنند. مطابق رویکرد تئوری ارتباط آیین نوروز می تواند اساس مناسبی

برای قرار ارتباطات بین ملت های باشد که دارای نگرش ها و روحیات متنوع هستند ولی همه به نحوی نوروز را گرامی می دارد، فراموش نسازیم که در حوزه تمدنی نوروز اقوام مختلف زندگی می نمایند؛ اما نوروز و جشن نوروز را پاس میدانند. عید نوروز از ظرفیت و زمینه های خوبی معنوی و ارزشی برای رشد و تقویت روحیه مهدلی و انسجام میان مردمان این خطه ای از جغرافیایی زمین بر خور دارد است. جلوه ها و نمودهای خاص معنوی ارزشی این جشن را می توان به خصوص در سه کشور فارسی زبان افغانستان، تاجکستان و ایران در قالب برنامه های تجلیل از نوروز مشاهده کرد. در نتیجه می توان این گونه این نوشته را جمع بندی کرد که نوروز به عنوان میراث معنوی و تاریخی و با عبور از تنگناهای زمانه و غلبه بر موانع چون آشپار مرتفع در دل سخنی های روزگار، می تواند علاوه بر ایجاد پیوند فرهنگی موجب افزایش همکاری اجتماعی و اقتصادی میان کشورها شود. فرهنگ و رسومات مشترک یک عامل مهم و نیرومندی است که زمینه ساز روابط کشورهای یک منطقه بایدنگیری می کند. در کشورهای که نوروز گرامی داشته می شود. تشابهات فرهنگی-اجتماعی ریشه در یک عامل مشترک و مهم دارد. این عامل در کنار سایر تشابهات و فراوانی ها، فرهنگ و تمدنی مشترک نوروز است. لیکن در اینجا نقش جشن نوروز و نتایج حاصله از آن نباید نادیده انگاشته شود. همین رویکرد مشترک مردم به یک محور مشترک در نوروز خود زمینه ساز تعاملات بعدی در ارتباط بین ملت های حوزه تمدن نوروز نقش بی بدلی می تواند ایفا نماید. بر اساس تئوری ارتباطات، نوروز و فرهنگ نوروز عامل مثبتی است در دروند شکل دهی روابط میان ملت های که این عید را گرامی می دارد. در جغرافیایی مطالعات منطقه ای و بین المللی؛ یکی از تئوریهای که نوع و مقوله ارتباطات میان ملت ها را توضیح می دهد؛ تئوری ارتباطات است. پیشگام این نظریه کارل دویچ می باشد؛ این تئوری بر این پیش فرض استوار است که یکی از دستاورد های تکنولوژی عصر، ارتباطات است و افزایش ارتباطات بین جوامع زمینه برای همکاری فراهم می کند، زیرا اگر میان ملت ها تماسی وجود نداشته باشد همکاری و ارتباطات سازنده و ماندگار شکل نخواهد گرفت؛ یعنی میزان همگرایی تابعی است از کیفیت مبادلات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی میان واحدهای مجزا. به باور کارل دویچ، پانی ایسن تئوری ارتباطات سیمان و بنون سازمان هاست دوره های جشن جهانی نوروز نشان می کند که گروهی با هم فکر کنند، با هم ببینند و با هم عمل کنند. مطابق رویکرد تئوری ارتباط آیین نوروز می تواند اساس مناسبی

- بنیان گذار: داکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سر دبیر: حفیظ الله زکی
- کارکنان: یوست: خالق علی زاده

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان می باشد.